یادداشت

محمد ولیان‌پور

## جنگ و صلح آمریکا

«صلح از طریق قدرت» توییت سه‌کلمه‌ای کاخ سفید بود در توصیف اجلاس شرم الشیخ که با حضور دونالد ترامپ برای پایان دادن به تجاوز اسرائیل به غزه در جریان است. پیامی که بسیاری از تحلیلگران به عنوان رویکرد جدید واشنگتن در قبال بحران‌های جهانی تلقی کردند.

تغییر نام وزارت دفاع آمریکا به وزارت «جنگ» که ماه گذشته میلادی با دستور اجرایی ترامپ انجام شد نیز در همین راستا ارزیابی شد؛ چرا که معتقد بود عبارت منفعلانه «دفاع» گویای قدرت این کشور نیست و آمریکا باید صریح‌تر بر قدرت خود تأکید کند.

اما این رویکرد را نمی‌توان به انگیزه‌های شخصی ترامپ و خلق و خوی ویژه‌اش نسبت داد؛ چه اینکه همین شعار را رونالد ریگان هم پیش از او داده بود و قبل‌تر در جنگ جهانی دوم بر پیشانی نیروی هوایی آمریکا نقش بسته بود و ریشه‌اش را حتی در روم باستان و فرهنگ سیاسی هم می‌توان یافت که «برای صلح آماده جنگ باش».

پیشینه روابط بین‌الملل هم چیزی جز این را نشان نمی‌دهد. جنگ‌های جهانی جز با برتری نظامی خاتمه نیافتند و گفت‌وگو تنها آخرین مرحله جنگ بوده است؛ برای امضای سند تسلیم شکست‌خوردگان و دیکته کردن سیاست‌های فاتحان.

«جامعه ملل» در پی کنفرانس پاریس و تقسیم غنائم جنگ جهانی اول و تجزیه کشورهای شکست‌خورده تأسیس شد و ۱۵ سال بعد جایش را به «سازمان ملل متحد» داد که این را هم متفقین و فاتحان جنگ جهانی دوم بنا نهادند و این پیروزی آن قدر برایشان حقانیت ایجاد کرد که به چیزی کمتر از «حق وتو» برای خود راضی نشدند.

حتی اصطلاح «ملل متحد» که روی این سازمان گذاشته شد، همان اصطلاحی است که روزولت، رئیس جمهور آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم برای اشاره به «متفقین» به کار می‌برد تا به همه کشورها بفهماند که در نظم جدیدی بازی می‌کنند که طرف پیروز جنگ دیکته کرده است.

به نظر می‌رسد این پیام، نه رویکرد جدید، که چیزی جز آشکارسازی رویکرد همیشگی قدرت‌های جهانی نیست. ترامپ که این روزها با کمک نتانیاهو، چهره عریان روابط بین‌الملل و حاکمیت مناسبات قدرت را به نمایش می‌گذارد، حالا با صراحت بیشتری دو روی سکه جنگ و صلح را در چرخش مداوم آن نشان می‌دهد. چهره‌ای که در دهه‌های گذشته با شعارهای حقوق بشر، ارزش‌های دموکراتیک، مشروعیت جهانی، وفاق بین‌المللی و... بزک شده بود.

این دیدگاه البته ریشه در دیدگاه واقع‌گرایانه نسبت به روابط بین‌الملل و مفهوم بازدارندگی دارد؛ نمایش قدرت و آمادگی برای اقدام قهرآمیز می‌تواند منافع را تأمین و صلح را تحمیل کند. برای این منظور تهدید نظامی و فشار اقتصادی همواره بالای سر طرف مغلوب است تا به خواسته‌های طرف غالب تن دهد.

این «صلح تحمیلی» نه مصالحه‌ای مرضی‌الطرفین، بلکه صلحی است که از سوی قدرت فائقه و بر اساس منافع او تحمیل می‌شود. صلحی که روی دیگر جنگ بوده و قرار است همان اهداف جنگ را بدون نیاز به لشکرکشی و هزینه تحصی کند. هیچ عاقلی گرهی که با دست باز می‌شود را به دندان باز نمی‌کند. وقتی بتواند با صلح و گفت‌وگو به اهدافش برسد، چرا باید برای جنگ هزینه کند و هزینه بدهد؟

این واقعیت حتی در میان افکار عمومی هم پذیرفته شده است و اعمال قدرت آمریکا در برابر ایران استقبال حیرت‌انگیز مردم آمریکا از حمله نظامی به ایران را برانگیخت. در حالی که پیش از حمله آمریکا به ایران تنها ۱۶ درصد آمریکایی‌ها با حمله آمریکا به ایران موافق بودند، پس از حمله تقریباً بدون هزینه به تأسیسات هسته‌ای کشورمان، حمایت افکار عمومی آمریکا به شکل سرسام‌آوری افزایش یافت؛ به طوری که ۶۹ درصد جمهوری‌خواهان و ۳۶ درصد مردم آمریکا طرفدار حمله به ایران شدند!

البته اعلام این رویکرد، معنای دیگری هم دارد؛ اینکه حضور نظامی آمریکا در سراسر جهان و راه‌اندازی جنگ‌ها را نباید در چارچوب استعمار و سلطه‌جویی تعریف کرد، بلکه چیزی جز تلاش مشروع و خیرخواهانه برای صلح نیست.

حالا می‌شود جنگ را هم در قواره صلح صورت‌بندی کرد تا قشر ظاهربین ما هر جنگ‌افروزی دشمن را به مثابه صلح تلقی کنند و انگشت نشانه را به سمت جبهه خودی نشانه بروند که جنگی هم اگر تحمیل شده، تقصیر ما بوده! و در شکل‌های مزمن آن، نه فقط در برابر آمریکا که مهد دموکراسی و تمدن غرب است؛ بلکه حتی در برابر رژیم جعلی اسرائیل و رژیم بعث هم خودمان مقصر بوده و هستیم!

گفت‌وگو با کارشناسان

درباره علت و آثار تغییر آشکار در مدل انتقال نفت ایران به نقاط مختلف جهان

# پیام نفتکش‌ها؛ راه باز است و باز می‌ماند

**سیدحسین حسینی |** در حالی که در سال‌های گذشته نفتکش‌های ایرانی برای عبور از کمین تحریم‌ها با چراغ خاموش و مسیرهای غیرعلنی حرکت می‌کردند، این بار تهران تصمیم گرفته است مسیر خود را آشکار، با پرچم رسمی و بدون خاموش کردن فرستنده‌ها ادامه دهد؛ اقدامی که نه تنها نشانه‌ای از اعتماد به نفس راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عرصه انرژی است، بلکه پیامی صریح به غرب درباره بی‌اثر بودن تهدیدها و تحریم‌های ادعایی آنان به شمار می‌آید.

تحرک اخیر در شرایطی رخ می‌دهد که موضوع به اصطلاح «اسنپ‌بک» و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت از سوی آمریکا و تروئیکای اروپایی بار دیگر به عنوان ابزار فشار تبلیغاتی علیه ایران مطرح شده است. پرسش اساسی این است که چرا جمهوری اسلامی ایران در این مقطع زمانی تصمیم گرفته نفتکش‌های خود را آشکارا و با پرچم رسمی به سمت شرق و به ویژه چین روانه کند؟ روزنامه قدس در ادامه این گزارش، نظر چهار تن از چهره‌های سیاسی و کارشناسان حوزه انرژی را جویا شده است؛ از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس گرفته تا دیپلمات‌های پیشین ایران در شرق آسیا.

## هر حرکتی علیه شناورهای ایرانی هزینه دارد

**اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی |** وقتی سال‌های قبل کشتی‌های ما هدف تحریم و آزار قرار می‌گرفتند، طبیعی بود که واکنش‌های متقابل نشان دهیم؛ قاعده ساده‌ای که غربی‌ها باید می‌دانستند: اگر شما دست برندارید، ما هم بی‌پاسخ نخواهیم ماند. تجربه سال‌های اخیر ثابت کرد هر اقدامی علیه منافع دریایی ایران، پاسخ هم‌تراز و حتی متقابل به دنبال خواهد داشت، چه توقیف باشد، چه تلاش برای تخلیه بار نفتی، چه ایجاد ناامنی در مسیرها. تهران با نمایش علنی نفتکش‌های خود، عملاً به غرب تفهیم کرده دوران ترس از تحریم به پایان رسیده و در جهان چندقطبی امروز، دیگر هیچ کشوری حاضر نیست به بازی‌های غیرقانونی واشنگتن تن دهد. بحث «اسنپ‌بک» هم از اساس معنای خود را از دست داده است. ایران به تعهدات برجام عمل کرد؛ اما طرف غربی، به ویژه آمریکا و متحدان اروپایی، نه تنها به تعهدات بازنگشتند بلکه فشارها را دوچندان کردند. وقتی کسی قرارداد را پاره می‌کند دیگر نمی‌توان بر آن قرارداد، یا بر آن ادعاهای حقوقی، حیثیت الزام‌آور گذاشت.

بخش دیگر ماجرا این است که طرف سوم فهمیده بازی یک‌طرفه نیست. هر حرکتی علیه شناورهای ایرانی هزینه دارد؛ هزینه‌ای که نصیب سازوکارهای غربی و ناامن‌سازان منطقه خواهد شد. بنابراین امروز، حرکت آشکار نفتکش‌های ما نه فقط یک اقدام ترابری تجاری است، بلکه پیامی است راهبردی با این مضمون که ایران حاضر به تأمین منافع و حفاظت از خطوط خود است و هر کس در این مسیر مزاحمت ایجاد کند، متضرر خواهد شد.

در نتیجه، وضعیت فعلی نشان می‌دهد قواعد یک‌طرفه و تحریم‌های جبری که تکیه‌گاه حقوقی و عملی ندارند، دیگر کارایی گذشته را ندارند و تهران در عمل این واقعیت را به جهانیان نشان داده است.

## مسیر صادرات نفت ایران رو به گسترش است

**فریدون انتظاری، سفیر سابق ایران در کره جنوبی |** دنیای امروز، دنیای قدرت است؛ نه دنیای تعارف و لبخندهای دیپلماتیک. اگر میدان قوی نباشد، دیپلماسی هم فقط یک نمایش بی‌اثر روی کاغذ خواهد بود. ما امروز قدرتمند هستیم، اما باید بسیار قدرتمندتر شویم. دیپلمات ما هم باید این واقعیت را درک کند؛ دیپلماسی شوخی‌بردار نیست. با دنیایی روبه‌رو هستیم که جز زبان قدرت را نمی‌فهمد. همان طور که دشمنان ما با صلابت و تهدید سخن می‌گویند، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران هم باید با صلابت پاسخ دهند. رفتار مؤدبانه خوب است، اما در جای خود؛ همان طور که قرآن کریم می‌فرماید: «اشدّاء علی الکفار رحماء بینهم» یعنی در برابر دشمن باید سخت و مقتدر بود، نه خندان و ملاحظه‌کار. عرصه سیاست جهانی جای مشتی‌گری و خوش‌خویی مفرط نیست. دنیا به کشوری احترام می‌گذارد که اقتدار خود را نشان دهد، نه آنکه فقط لبخند بزند. میدان و دیپلماسی دو بال یک پرواز‌ند، اما این میدان است که بال اصلی آن را تشکیل می‌دهد و دیپلماسی بدون آن نمی‌تواند اوج بگیرد. در موضوع تحریم‌ها و مسئله موسوم به «اسنپ‌بک» نیز همین قاعده برقرار است. غربی‌ها می‌خواهند با الفاظ حقوقی و سیاسی، ایران را در انفعال نشان دهند؛ در حالی که تهران بارها ثابت کرده در برابر هر اقدام خصمانه، پاسخ متقابل و قاطع خواهد داد. اگر روزی کشوری بخواهد به کشتی‌های ایرانی تعرض کند، مطمئن باشد پاسخ در همان سطح و بلکه سنگین‌تر دریافت خواهد کرد. از سوی دیگر، مسیر صادرات نفت ایران نه تنها متوقف نمی‌شود، بلکه رو به گسترش است. در شرایطی که روسیه تحت فشار تحریم‌های غرب قرار گرفته و هند و چین به سوخت ارزان و مطمئن نیاز دارند، ایران با قدرت جای خود را در بازار انرژی تثبیت می‌کند. مسافت کمتر، هزینه پایین‌تر و امنیت بیشتر، ایران را به گزینه‌ای منطقی و حتی اجتناب‌ناپذیر برای خریداران آسیایی تبدیل کرده است.

## مقابله با ایران هزینه‌بر خواهد بود

**جواد منصوری، سفیر پیشین ایران در چین |** دولت‌های اروپایی در ماه‌های اخیر تلاش کردند با فعال‌سازی جریان مکانیسم ماشه، ایران را تحت فشار قرار دهند تا روابط خود را با روسیه و چین کاهش دهد و از سوی دیگر نشان دهند هنوز می‌توانند در صحنه بین‌المللی اثرگذار باشند. اما همان طور که روسیه و چین به صراحت اعلام کردند، این اقدام اروپایی‌ها قانونی نیست و هیچ تعهدی برای عمل به آن ندارند.

نکته مهم دیگر آن است که پس از فعال شدن مکانیسم ماشه، بحث مذاکرات مربوط به غزه و برقراری آتش‌بس مطرح شد؛ اقدامی که هدفش حذف ایران از روند تصمیم‌گیری بود، اما باز هم ناکام ماند. گروه‌های فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی همچنان بر مواضع خود و حمایت از ایران پایبند هستند و این بار دیگر یک شکست سیاسی و امنیتی برای اروپا محسوب می‌شود. اروپایی‌ها حتی شرط کردند ایران باید با آمریکا وارد مذاکره مستقیم شود، جمهوری اسلامی ایران این شرط را نپذیرفت و این نیز شکست دیگری برای اروپا بود. با توجه به تحولات اخیر و روند رویدادها به ویژه انتخاب نماینده روسیه به عنوان رئیس شورای امنیت تصور اروپا نسبت به آنچه طراحی کرده بود کاملاً اشتباه بود. جمهوری اسلامی ایران توانست با حرکت‌های سنجیده، فشارهای اروپایی را خنثی کند و مسیر سیاست خارجی و اقتصادی خود را با اقتدار ادامه دهد.

در این وضعیت آیا اروپا و آمریکا پس از فعال شدن مکانیسم ماشه قادر خواهند بود نفتکش‌های ایران را متوقف کنند، نمی‌توان به طور قطعی گفت این اتفاق امکان‌پذیر نیست، اما برای طرف مقابل، هزینه‌بر و پرخطر خواهد بود؛ چرا که هر گونه مداخله علیه نفتکش‌های ایرانی می‌تواند با اقدام‌های متقابل جمهوری اسلامی در خلیج فارس مواجه شود. بنابراین محتمل است چنین اقدامی از سوی غربی‌ها محدود و محتاطانه باشد. انتقال نفت با چراغ روشن، متکی بر همین اصل است.

## ایران مسیر انرژی خود را مستحکم نگه داشته است

**حسن مرادی، استاد حقوق انرژی دانشگاه تهران |** برخی بازیگران بین‌المللی به ویژه کسانی که خود را «مصلح جهان» معرفی می‌کنند با شعارهای نمایشی و ماجراجویی‌های تبلیغاتی تلاش می‌کنند موقعیت خود را تثبیت کنند، اما تاریخ و واقعیت نشان داده هر اقدامی بدون پشتوانه می‌تواند علیه طراح آن تمام شود. نمونه‌های منطقه‌ای مانند منازعات قفقاز به روشنی نشان می‌دهد طرح‌های سطحی و تبلیغی به آسانی می‌توانند برعکس عمل کرده و هزینه‌های هنگفتی بر طراح تحمیل کنند.

در موضوع حقوق بین‌الملل دریایی و اختلافات درباره کشتی‌ها، اگر قرار باشد مداخله‌ای توجیه‌پذیر و مشروع صورت گیرد، باید بر اساس قواعد بین‌المللی و نه انگیزه‌های سیاسی انجام شود. تجربه «مکانیسم ماشه» و واکنش‌هایی که از سوی بازیگران بزرگ دیده شد، نشان داد تلاش برای تحمیل اراده یک‌جانبه در عرصه بین‌الملل با مانع مواجه است و کارایی محدودی دارد. اگر روزی غرب یا آمریکا درصدد توقیف یا مزاحمت برای کشتی‌های نفتی ایران برآیند، باید حساب پیامدها را هم بکنند. جمهوری اسلامی با دیپلماسی فعال منطقه‌ای و پیوندهای راهبردی با کشورهایی چون چین، روسیه، هند و قدرت‌های بزرگ اسلامی، مسیر انرژی خود را مستحکم نگه داشته و در عین حال ظرفیت بسیج فشار سیاسی و محکومیت بین‌المللی را دارد.

افزون بر این، توان دفاعی و ظرفیت‌های بازدارنده در منطقه به گونه‌ای است که هر اقدام یک‌جانبه می‌تواند با پاسخ‌های متقابل و نامطلوب برای طراحان آن همراه شود. در نتیجه، در حال حاضر فرصت برقراری تقابل یک‌جانبه علیه ایران محدود است؛ چرا که تهران از تجربه چهار دهه گذشته درس گرفته، شبکه‌سازی دیپلماتیک و اقتصادی‌اش را گسترش داده و بر توان داخلی تکیه کرده است. ما باید این واقعیت را در سیاست‌گذاری‌ها نهادینه کنیم؛ دیپلماسی فعال وقتی ثمر می‌دهد که پشتوانه‌ای قوی در میدان داشته باشد و جمهوری اسلامی امروز در مسیر تقویت همان پشتوانه گام برمی‌دارد.

فراخبر

تحلیلی بر اظهارات وزیر خارجه روسیه درباره عملکرد ظریف در نحوه گنجانده‌شدن مکانیسم ماشه در برجام

## دایه مهربان‌تر از مادر!

**هدایت جاوید |** انتشار ویدئو وزیر خارجه روسیه در گفت‌وگو با رسانه‌ای در حاشیه نشست عرب- روسیه که در آن وی به نوعی مدعی است کشورش با گنجاندن «اسنپ‌بک» در برجام مخالف بوده و این تیم سیاسی ایران بوده که به این امتیازخواهی غرب تن داده، بار دیگر به نزاع سیاسی داخلی میان موافقان و مخالفان توافق هسته‌ای دامن زده و البته نزاع تاریخی آمریکا و روسیه را هم در گستره وسیع ایران زمین یادآوری می‌کند.

سرگئی لاوروف می‌گوید: «این مکانیسم در تصمیم‌های شورای امنیت منحصر به فرد است، به هر یک از طرف‌های توافق اجازه می‌دهد به صورت یک‌جانبه بازگشت تحریم‌ها را فعال کند و هیچ کس نمی‌تواند جلو آن را بگیرد. این بند در واقع در مراحل پایانی مذاکرات، مستقیماً میان ظریف و جان کری مورد توافق قرار گرفت. صادقانه بگویم، ما از این موضوع شگفت‌زده شدیم. اما اگر شریکان ایرانی ما با چنین فرمولی موافقت کردند- که صادقانه بگویم یک «دام حقوقی» بود- ما دلیلی برای مخالفت نداشتیم».

**■ حرافی لاوروف برای لاپوشانی کم‌کاری‌ها**

این نحوه اظهار نظر یک‌جانبه مقام روس هنگامی اتفاق افتاده که وی با پرسش مجری درباره مناسبات نظامی میان تهران و مسکو و اینکه وزیر خارجه پیشین ایران گفته است روسیه در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، تلاش‌ها برای احیای توافق هسته‌ای را تضعیف کرده بود، مواجه می‌شود. خبرنگار می‌پرسد: گفته آقای ظریف درست است؟ آیا روسیه سامانه‌های اس-۴۰۰ را به ایران تحویل داده است؟ در مورد قرارداد جنگنده‌های سوخو چطور؟ این هواپیماها به ایران تحویل داده شده‌اند؟

لاوروف در مقام یک دیپلمات کهنه‌کار که از ۹ مارس ۲۰۰۴ تاکنون یعنی به مدت ۲۱ سال ردای وزیر خارجه سرزمین یخی را به تن کرده، به نظر در این مجال تلاش کرده به روش رندانه به جای پاسخ گفتن به انتقادها از برخی کم‌کاری‌های مسکو در حوزه تحکیم مناسبات نظامی با تهران، موضوع را پیچانده و با انداختن توپ در حوزه برجام به زمین ایران، کم‌کاری‌ها را لاپوشانی کند. با این حال جاری شدن همین اظهارات بر زبان مقام روس کافی بود تا بار دیگر دعوای زرگری میان موافقان و مخالفان برجام شعله‌ور شده و به عاملی برای تداوم نزاع سیاسی در فضای مجازی بدل شود.

**■ روس‌ها از تیم مذاکره‌کننده برای ما دلسوزترند؟**

محمدجواد ظریف پس از اقدام اروپا در کشیدن ماشه، در واکنش به منتقدان، گنجاندن سازوکاری که بازگشت به شرایط ابتدایی در صورتی که هر یک از طرفین یک توافق بین‌المللی مفاد آن را رعایت نکنند- و نه آنچه غرب از آن به اسنپ‌بک تعبیر می‌کند- را روندی معمول و طبیعی در قراردادهای بین‌المللی عنوان کرده که به زعم او این حق هم برای جمهوری اسلامی در توافق مذکور وجود داشته است. این نوع تعریف از روند گنجاندن اسنپ‌بک در برجام منطقی به نظر می‌رسد، ولی با توجه به تجربه بدعهدی مکرر غرب و نتیجه حاصل شده از برنامه جامع اقدام مشترک پس از ۱۰ سال، انتظار سنجیده و محکم عمل کردن در این زمینه انتقاد عجیبی نیست که تیم دیپلماسی دولت یازدهم و دوازدهم باید به آن پاسخ دهند.

اما در این مجال پرسش این است که اظهارات وزیر خارجه روسیه آیا می‌تواند مبنایی برای نقد برجام باشد؟ باید از افرادی که به دنبال نبش قبر تحولات ۱۰ سال پیش و به راه انداختن دعوای سیاسی آن هم در این شرایط حساس سیاسی و با استناد به اظهارات لاوروف هستند پرسید، به زعم آن‌ها روس‌ها از تیم مذاکره‌کننده برای ما و منافع کشورمان دلسوزتر هستند؟

**■ بیگانگان را به مسائل خانوادگی راه ندهیم**

محمدجواد ظریف قدیس است و هر چه کرده عین صواب بوده؟ قطعاً نه. نه تنها او، که همه بنی‌بشر روی این پهنه خاکی، نه لزوماً قدیس هستند و نه اهریمن‌خو. همه ما کارنامه‌ای داریم که شامل نقاط قوت و نقاط ضعفی است که ارزیابی هر کدامشان باید در فضایی کارشناسانه اتفاق بیفتد. این اصل اساسی را از خاطر نبریم و در کنار آن یک اصل اساسی دیگر را هم لحاظ کنیم و آن اینکه بعید است بیگانگان، بیشتر از فرزندان این آب و خاک، برای این آب و خاک دلسوز باشند و دلسوزی کنند.

یک واقعیت روشن وجود دارد و آن اینکه آنچه مناسبات کشورها در محیط بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، در وهله نخست منافع ملی آن‌هاست. در چنین شرایطی طرف‌های دارای منفعت مشترک همراهی گسترده‌تری با هم در موضوعات مختلف دارند؛ همان مناسباتی که اکنون به نوعی میان ایران، روسیه، چین و دیگر کشورهای تحریمی علیه غرب شکل گرفته است.

با این حال چنین اشتراک منافعی به معنای همراهی و همبستگی کامل در پرونده‌های مختلف جهانی نیست. همان گونه که در بالا اشاره شد موضوع عدم فروش پدافند اس-۴۰۰ به ایران در حالی که مسکو پیش‌تر آن را به کشورهایی مانند ترکیه به راحتی فروخته یا ابهام درباره فروش جنگنده‌های سوخو-۳۵ به تهران، گواه این مدعاست.

بر این اساس باید به منتقدان برجام تأکید کرد حواستان به یک اصل مهم باشد و آن اینکه انتقاد یا دفاع از تفاهمی مانند برجام جزو مسائل داخلی و خانوادگی کشور است و نباید جاری شدن آن بر زبان دیپلمات روس را به اصطلاح گل گرفت و به عامل دیگر در جدال سیاسی بدل کرد؛ خواه این اظهارات بر زبان لاوروف جاری شده باشد یا وندی شرمن، مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی که در کتاب خاطرات خود با عنوان «ترس یعنی شکست؛ درس‌هایی درباره شجاعت، قدرت و سرسختی»، گنجاندن اسنپ‌بک در برجام را اتفاقاً به طرف روس نسبت می‌دهد و می‌گوید گنجاندن این بند، ایده پیشنهادی شخص لاوروف بوده است.

خبر

معاون اجرایی رئیس جمهور:

## آمریکا شیطنت نکند، از لیست سیاه اف ای تی اف خارج می‌شویم

**گروه سیاسی |** معاون اجرایی رئیس جمهور گفت: اگر آمریکا بدجنسی نکند، از لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف خارج می‌شویم.

جعفر قائم‌پناه روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت با تأکید بر اینکه رئیس جمهور با سیاست وفاق ملی خود موفق به ایجاد وحدت و اتحاد برای تصویب پیوستن ایران به کنوانسیون پالرمو و سی‌اف‌تی شد، اظهار کرد: این موضوع با وجود اینکه دیر اتفاق افتاد اما دستاورد بزرگی بود، امیدواریم آمریکا بدجنسی نکند و خروج از لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف نیز به زودی محقق شود. قائم‌پناه در واکنش به درخواست ۱۰۰ تن از نمایندگان برای حضور تیم اقتصادی دولت در مجلس برای ارائه توضیحات در خصوص گرانی و تورم شدید قیمت کالا و ارزاق مردم به خبرنگار قدس گفت: به اندازه کافی و لازم وزیران و اعضای دولت در مجلس حضور داشته و پاسخگو هستند. وی همچنین در خصوص برنامه دولت برای مهار تورم و افزایش قیمت‌ها بیان کرد: باید بتوانیم تورم را با افزایش تولید کنترل کنیم. خوشبختانه گزارش‌ها حاکی است هم تجارت و هم تولید ما با توجه به اینکه اکنون قطع برق و ناترازی انرژی نداریم رو به رشد است. این دو همراه با تجارت خارجی معیشت مردم را بهبود می‌بخشد. وی با بیان اینکه حامل‌های انرژی در ایران ارزان است، تصریح کرد: حامل‌های انرژی باید افزایش قیمت پیدا کند، اما نحوه آن باید بررسی شود.